



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (دلالت نهی بر فساد)

نهی از عبادت ۱

جلسه ۲۶۹

استاد نجار زاده

نهی از عبادت

مقصود از عبادتی که محلّ نزاع است، عبادت به معنای اخصّ می باشد، یعنی عملی که در صحّتش قصد قربت شرط می باشد.

نزاع در اینجا شامل عبادت به معنای اعمّ مثل آب کشیدن جامه از نجاست نمی شود؛ زیرا اگرچه این عمل را می توان به نحو عبادت و به قصد قربت انجام داد؛ ولی در عین حال، اثر مرغوب و مطلوب در آن که زوال نجاست باشد، موقوف بر قصد قربت نیست؛ فلذا اگر فرض نمودیم که مکلف آن را با نهی نیز انجام دهد، نظیر اینکه با آب غصبی لباسش را آب بکشد، باز عمل در خارج صحیح واقع شده و بواسطه اش امتثال تحقق یافته و امر آن ساقط می گردد؛ لذا در اینگونه از اعمال، به خاطر نهی متوجه به آنها، فساد را نمی توان تصویر نمود.

نکته:

در موردی که عمل غیر عبادی به معنی اخصّ به نحو منهی عنه واقع شود؛ این را می توان اذعان داشت که عبادت و مقرب الی الله نیست؛ ولی نه آنکه اصلاً صحیح نبوده و در خارج تحقق پیدا نکرده باشد، لذا اگر از فساد مقصود همین معنا باشد که عمل بر وجه عبادی تحقق نیافته و برای حصول قربت صالح نیست، پس می توان گفت: نهی از عبادت به معنای اعمّ، مقتضی فساد است؛ چه آنکه کسی که مدّعی ممانعت و منافرت بین صحّت و نهی است؛ می تواند ادّعاء کند بین واقع شدن شستن صحیح جامه، یعنی بر وجه عبادت و مقرب بودنش الی الله و بین نهی از آن منافرت و ممانعت است اگرچه اصل شستن و پاک شدن جامه در خارج تحقق می یابد؛ ولی نمی توان آن را عملی مقرب الی الله دانست.



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

نکته ۲:

معنای عبادت در اینجا عملی که متعلق امر فعلی قرار گرفته باشد نیست؛ زیرا با فرض تعلق نهی فعلی به آن معقول نیست که امر نیز به آن توجه پیدا کرده باشد. به عبارت دیگر مقصود از عبادت در اینجا وظیفه‌ای است که اگر شارع مقدس آن را تشریح و جعل فرموده باشد، صرفاً جعل و تشریح بخاطر تعدد و تقرب یافتن به آن باشد؛ اگرچه به ملاحظه خصوصیت موردی و مانعی که به این اعتبار وجود دارد، امر فعلی به آن متوجه نباشد.

نکته ۳:

این مسئله را همچون مسئله اجتماع امر و نهی که در آن فرض آن است که تعلق نهی به فعل به عنوانی غیر از عنوان تعلق امر به آن است نمی‌توان قرار داد؛ بنابراین اگر در آن مسئله مجوز اجتماع امر و نهی را تعدد عنوان بدانیم، صحیح نیست مسئله اینجا را به آن قیاس کرده و بسنجیم؛ زیرا در اینجا عنوان متعدد نیست؛ چه آنکه عنوان متعلق امر بنفسه متعلق نهی می‌باشد.

انحاء تعلق نهی:

۱. نهی به اصل عبادت تعلق گیرد؛ همچون نهی از روزه گرفتن در عید فطر و قربان و نیز نهی از روزه وصال و همچنین مانند نهی از نماز زن حائض و نساء.

۲. نهی به جزئی از عبادت تعلق بگیرد؛ مانند نهی از قرائت سوره‌ای از سوره‌های سجده دار در نماز.

۳. نهی به شرطی از شروط عبادت یا به شرطی از جزء آن تعلق بگیرد؛ مانند نهی از نماز با لباس غضبی یا متنجس.

۴. نهی به وصفی که با عبادت یا جزء آن ملازم است تعلق بگیرد؛ همچون نهی از جهر به قرائت در موردی که اخفات لازم است یا بالعکس، نهی از اخفات در موردی که جهر واجب است.